

تحلیل اشعار رودکی و خیام با نگاه روانشناسی زبان

(ص ۱۵۰-۱۳۹)

فردوس آقا گل زاده (نویسنده مسئول)^۱، افتخار سادات هاشمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۱۲/۴

چکیده:

بر اساس یافته‌های روانشناسی و رابطه زبان و شناخت، انسان در اوان زندگی ابتدا توانایی درک مفهوم و دسته بندی های چهار رنگ اصلی از قبیل آبی، سبز، زرد و سرخ را کسب میکند و سپس اسمهای مرتبط با این رنگها را استفاده میکند. بحث زبان و تفکر و یا زبان و شناخت و چگونگی تقدم و تاخر هر یک از این دو از بدو تولد و در طول دوران زندگی از مباحث جدی در روانشناسی زبان است که صاحب نظران بزرگی همچون اشتاین برگ، اسکینر، بلومفیلد، آزگود، ویگوتسکی، ادوارد ساپیر، ورف، برونر، پیازه و چامسکی به آن پرداخته اند. اگر زبان متأثر از این عوامل باشد پس باید بتوان با استناد بر شواهد زبانی به عنوان داده های عینی و ملموس به ردیابی نوع نگرش و تفکر و شخصیت نویسندگان دست یافت، زیرا زبان دستمایه باز آفرینی جهان هستی است به آنگونه که خالق اثر جهان را میبیند. به قولی از قدیم گفته اند: "از کوزه همان برون تراود که در اوست." لذا در این تحقیق نگارندگان درصدد هستند که با استفاده از داده های زبان شناسی که در غالب رنگ واژه‌ها و دیگر انواع واژگان موجود در رباعیات خیام (حدود ۲۹۳ رباعی) و دیوان اشعار رودکی (بالغ بر ۱۰۰۰ بیت) که از تراوشات فکری این دو شخصیت شهیر ایران زمین است و حکایت از نگاه آنها به هستی است به کشف، توصیف و تحلیل فکری این دو شاعر بپردازند. تحقیق حاضر جهت آزمون این فرضیه بر آمده است که بنظر میرسد که رودکی و خیام دارای تفکر اپیکور بسم درباره جهان هستند و شاخصهای سنجش داده‌های زبانی، طبقه بندی روانشناسی رنگ ماکس لوشر می باشد.

کلمات کلیدی:

اشعار رودکی، اشعار خیام، روانشناسی زبان، سبک‌شناسی، تحلیل متن، رنگ واژگان، روانشناسی رنگ.

۱ - دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (گروه زبان شناسی) aghagolz@modares.ac.ir

۲ - مدرس گروه زبان انگلیسی دانشگاه آزاد واحد نجف آباد و دانشجوی دکترای زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس
sadat.hashemi@modares.ac.ir

(۱) مقدمه

رودکی، ابو عبدالله جعفر فرزند محمد پدر شعر فارسی ایران است. وی شاعری دانش‌آموخته بود و تسلط او بر واژگان فارسی چندان است که هر فرهنگنامه‌ای از شعر او گواه می‌آورد. شعر و موسیقی در سده‌های چهارم و پنجم همچون روزگار پیش از اسلام به هم پیوسته بودند و شعر به همراه موسیقی خوانده می‌شد. شاعران بزرگ آنانی بودند که موسیقی نیز میدانستند. رودکی از شاعران بزرگ سبک خراسانی است. شعرهای اندکی از او به یادگار مانده، که بصورت بیت‌هایی پراکنده از قطعه‌های گوناگون است.

حکیم عمر خیام نیشابوری یکی از بزرگترین دانشمندان ایرانی و رباعی‌سرایان و از مفاخر ایران است. زادگاهش نیشابور و در قرن پنجم و دهه‌های نخستین سده ششم هجری میزیسته است. خیام به همه فنون و معلومات معمول زمان خود تسلط داشته و در فلسفه و ریاضیات و نجوم تخصص داشت. خیام اگر چه در درجه اول علم و فضل بوده است، عامه مردم او را به سبب رباعیات فلسفی و زیبایی که سروده، می‌شناسند. خاقانی شروانی و نجم‌الدین ابوبکر رازی در ستایش افکار و اندیشه‌های خیام سخن گفته‌اند.

بر اساس یافته‌های روانشناسی و رابطه زبان و شناخت، انسان در اوان زندگی ابتدا توانایی درک مفهوم و دسته‌بندی‌های چهار رنگ اصلی از قبیل آبی، سبز، زرد و سرخ را کسب میکند و سپس اسمهای مرتبط با این رنگها را استفاده میکند. پس میتوان گفت از کودکی رابطه محکم و تنگاتنگی بین رنگها و نوع نگرش و شخصیت انسانها و تراوشات ذهنی و عملکردهای روزمره شان وجود دارد، چرا که زبان و تفکر و شناخت بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. بحث زبان و تفکر و یا زبان و شناخت و چگونگی تقدم و تاخر هر یک از این دو از بدو تولد و در طول دوران زندگی از مباحث جدی در روانشناسی زبان است که صاحب‌نظران بزرگی همچون اشتاین برگ، اسکینر، بلومفیلد، آزگود، ویگوتسکی، ادوارد ساپیر، ورف، برونر، پیاز و چامسکی به آن پرداخته‌اند.

در این تحقیق نگارندگان درصدد هستند که با استفاده از داده‌های زبان‌شناسی که در غالب رنگ واژه‌ها و دیگر انواع واژگان موجود در رباعیات خیام (حدود ۲۹۳ رباعی) و دیوان اشعار رودکی (بالغ بر ۱۰۰۰ بیت) که از تراوشات فکری این دو شخصیت شهیر ایران زمین است و حکایت از نگاه آنها به هستی است به کشف، توصیف و تحلیل فکری این دو شاعر بپردازند. تحقیق حاضر جهت آزمون این فرضیه بر آمده است که بنظر میرسد که رودکی و خیام دارای تفکر اپیکوریسم درباره جهان هستند و شاخصهای سنجش داده‌های زبانی، طبقه بندی روانشناسی رنگ ماکس لوشر میباشد. رودکی و خیام احساسات و تجربیات خود را در قالب ابیاتی که حاوی رنگ واژه‌های سرخ، سبز و زرد بیان نمودند.

در این مقاله با مطالعه دیوان شعر رودکی به تصحیح و شرح دکتر جعفر شعار ابیات مستند باقیمانده از اشعار رودکی اعم از رباعی، مثنوی، غزل و قصیده و دیوان رباعیات حکیم عمر خیام با مقدمه و تحقیق عزیزالله کاسب بر اساس نسخه کمبریج مورد بررسی و تحلیل از دیدگاه روانشناسی زبان رویکرد روانشناسی رنگ قرار گرفته اند. تلاش بر اینست تا با جمع آوری داده ها و تحلیل آنها بر پایه روانشناسی زبان رویکرد روانشناسی رنگ از دیدگاه ماکس لوشر نویسنده کتاب روانشناسی رنگها بتوانیم به روحیات و شخصیت رودکی، پدر شعر پارسی، و خیام با نگاهی نوین پی ببریم. پس از آزمایش معروف روشاخ در زمینه شناخت شخصیت انسان از طریق لکه های رنگین جوهر، آزمایش لوشر جدیدترین نظریه ایست که در این مورد ارائه گردیده است. (لوشر، ۱۳۷۳: ۷)

در ابیات باقی مانده از رودکی و خیام می توان حضور رنگ واژه و یا واژگان تداعی کننده آن رنگها را به روشنی دید، و این در حالی است که آزمایش لوشر به طور کلی با هشت رنگ انجام می شود. ما در این مقاله با مفاهیم و تعاریف شخصیتی هر رنگ و جایگاه انتخاب رنگها در سه جایگاه اول می پردازیم. از جمله مفاهیم نظری که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته شده است میتوان به رنگ واژه، گل واژه، روانشناسی زبان و روانشناسی رنگ اشاره کرد که در زیر برای هر یک به اختصار توضیحی ارائه میشود.

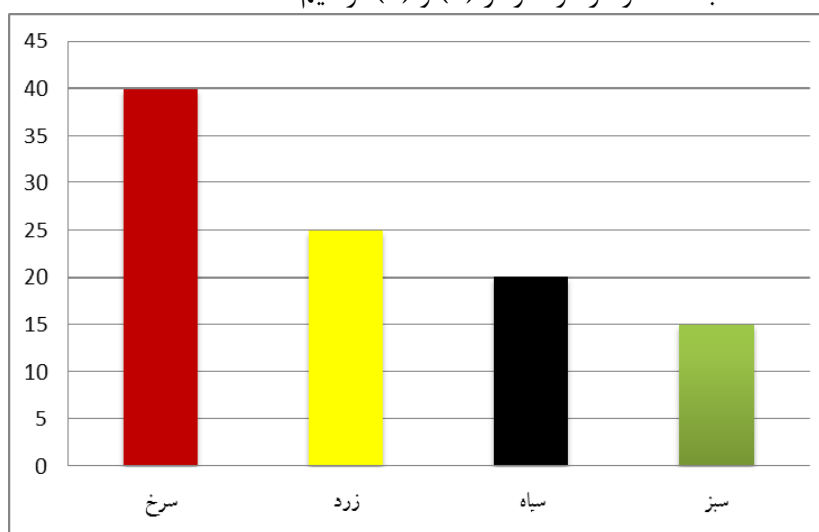
رنگ واژه به واژگانی اطلاق میشود که دلالت بر رنگی در جهان بیرونی دارند. (روئلفس، ۲۰۰۴: ۲۱۲)

گل واژه ها واژگانی هستند که به نام گلی در جهان بیرونی اطلاق میشود. در اشعار بجا مانده از رودکی و خیام حضور سه رنگ واژه برجستگی چشمگیری دارد و ما را بر آن داشته است تا بسامد کاربردی هر یک را مورد تحلیل و بررسی روانشناسی زبان و رنگ قرار دهیم تا از این منظر به بررسی شخصیت رودکی و خیام بپردازیم.

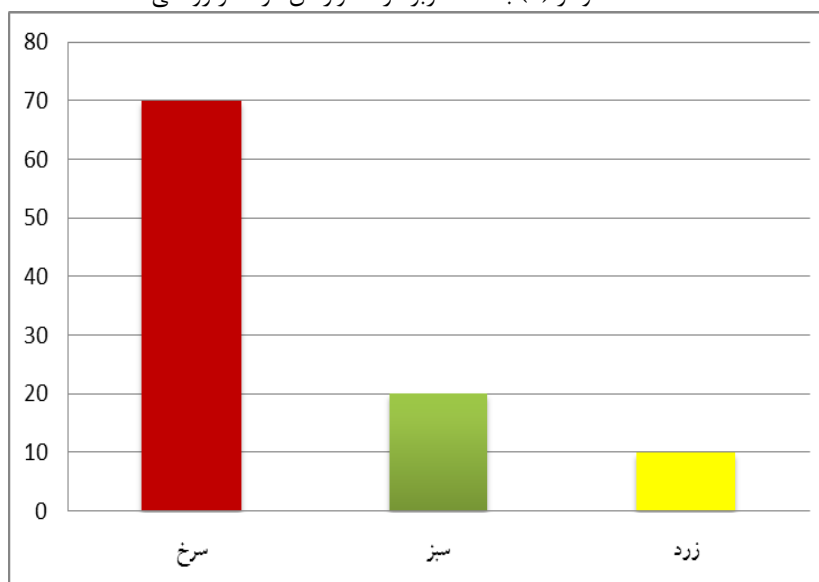
۲) تحلیل داده ها

در مجموع، اشعار باقی مانده از رودکی حدود ۱۰۰۰ بیت و از خیام حدود ۵۸۶ بیت است. در ابیات رودکی رنگ واژگانی چون سرخ، سپید (سیمین)، سیاه (مشکین)، زرد (زرین) و سبز به چشم میخورد. هر چند در رباعیات خیام استفاده از رنگ واژه ها، به جز رنگ واژه های سبز و زرد در مواردی، به روشنی اشعار رودکی نیست، اما با مطالعه و بررسی ابیات او شاهد بهره گیری او از محور جانیشینی زبان و انتخاب واژگانی هستیم که تداعی کننده رنگهای سرخ، سبز و زرد هستند. در واقع انتخاب و مجاورت آن چیزی است که تحت فرایند برجسته سازی از زبان خودکار زبان ادبی میسازد. (حسن: ۱۹۸۹: ۱۰۱) در ادامه به

ترتیب به بررسی رنگ‌واژگان سرخ، سبز، زرد و سیاه (مشکین) در اشعار رودکی و خیام با ارائه تحلیل‌های روانشناسی رنگ می‌پردازیم. به منظور سهولت در درک فراوانی کاربرد رنگ واژه‌های سرخ، سبز و زرد، هریک از رنگ واژه‌های به نسبت کل تعداد آنها در اشعار هر یک به درصد محاسبه شده و در دو نمودار (۱) و (۲) ترسیم شده است.



نمودار (۱) بسامد کاربرد رنگ واژگان در شعر رودکی



نمودار (۲) بسامد کاربرد رنگ واژگان در شعر خیام

۱-۲) رنگ واژه سرخ

در اشعار رودکی رنگ واژه سرخ و گل واژه لاله که تداعی کننده رنگ سرخ است- همانگونه که نمودار (۱) نشان میدهد- دارای بالاترین بسامد کاربردی در میان رنگ واژگان و گل واژگان شعر او یعنی ۴۰٪ است. در اشعار خیام نیز واژگان می، باده، شراب و گل واژه لاله که تداعی کننده رنگ سرخ هستند (نمودار ۲) دارای بالاترین بسامد کاربردی، ۷۰٪ از میان کل واژگانی که تداعی کننده رنگها در شعر وی هستند میباشند. در این مقاله برای پرهیز از طولانی شدن کلام تنها مواردی از ابیات هر یک را به ترتیب بعنوان نمونه ذکر میکنیم.

سرخی خفچه نگر از سرخ بید
چند از سرخ چون عقیقی یمانی
شگفت لاله، تو زیغال بشکفان که همی
لاله میان کشت بخندد همی ز دور

معصفر^۱ گون پوستش او خود سپید
چند از لاله چون نگین بدخشانی
به دور لاله، به کف نهاده به زیغال
چون پنجه عروس به حنا شده خضیب
(رودکی)

ای همنفسان مرا ز می قوت کنید
چون در گذرم به می بشوید مرا
گر باده خوری تو، با خردمندان خور

وین چهره کهر با چو یاقوت کنید
وز چوب رزم تخته تابوت کنید
یا با پسری لاله رخ خندان خور
(خیام)

کاربرد بالای این لغات در اشعار این دو شاعر، مبین علاقه و گرایش آنها به این رنگ است. چرا که آنرا در الویت انتخابهای خود قرار داده اند. ماکس لوشر در کتاب روانشناسی رنگها در مورد انتخاب رنگ سرخ در جایگاه نخست چنین مینویسد:

رنگ سرخ بیانگر نیروی حیات، فعالیت عصبی و غددی بوده و لذا معنای آرزو و تمام شکلهای میل و اشتیاق را دارد. سرخ یعنی لزوم بدست آوردن نتایج دلخواه و کسب کامیابی است. و همچنین نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارد. سرخ یعنی محرک اراده برای پیروزی و تمام اشکال شور زندگی و قدرت- از تمایلات جنسی تا تحول انقلابی. (لوشر ۱۳۷۳: ۸۷-۸۶) داده های فوق در اشعار رودکی و خیام در چهار چوب نظری لوشر رنگ سرخ حاکی از آنست که رودکی دارای شخصیتی پویا، محیطگرا، واقعنگر، امیدوار به آینده، با نشاط و پر تحرک و فعال در

دستیابی به اهداف خود در زندگی بوده‌اند. تا آنجا که زرین کوب (۱۳۴۳: ۶-۴) معتقد است که: {رودکی} مثل هوراس شاعر رومی که دنیای آسوده اما شتابان بی ثبات خویش را با چشم ذوق و لذت میدید و در روزهای زرین فرمانروایی اگوست، بانگ ((امروز را دریاب)) سر میداد، رودکی نیز لذتها و رامشهایی را کنار ((سیاه چشمان)) بخارا در می یافت، قدر میشناخت و با همان آهنگ هوراس میگفت:

شاد زی با سیه چشمان شاد که جهان نیست جز فسانه و باد
ز آمده شادان ببايد بود وز گذشته نكرد بايد ياد
باد و ابر است اين جهان فسوس باده پيش آر، هرچه بادا باد

جالب است که ابیاتی با همین مضمون نیز در رباعیات خیام می بینیم که گواه نگرش مشابه این دو شاعر است:

با ماهرخی بر لب جوی و می و ورد تا هست میسر م طرب خواهم کرد
تا بوده ام و هستم و خواهم بودن می می خورم و خورده ام و خواهم خورد

در اشعار رودکی و خیام نمونه هایی از ابیاتی که بیانگر این ویژگیها و نگرشی همچون بی ثباتی دنیا، گذر فرصتها، نجات زمان حال با لذت و شادی و بی خیالی به بازی چرخ هستند را بسیار میتوان یافت. نمونه‌های ذیل شواهدی بر این مدعا می باشند:

- من و آن جعد موی غالیه بوی من و آن ماهروی حور نژاد
- کار چون بسته شود بگشایدا وز پس هر غم طرب افزایدا
- به خوشدلی گذران بعد از این، که باداجل درخت عمر بداندیش را ز پا افکند
- همیشه چشمم زی زلفکان چابک بود همیشه گوشم زی مردم سخندان بود
(رودکی)

- زان پیش که از زمانه تابی بخوریم با یکدگر امروز شرابی بخوریم
کاین چرخ فلک به گاه رفتن ما را چندان ندهد امان که آبی بخوریم
- گاه سحر است خیز ای ساده پسر پر باده لعل کن بلوری ساغر
کاین یک دم عاریت در این کنج فنا بسیاری بجویی و نیابی دیگر
(خیام)

۲-۲) رنگ‌واژگان سبز

دو رنگ‌واژه دیگر مورد استفاده در اشعار رودکی و خیام، رنگ‌واژگان زرد و سبز است. همانطور که در دو نمودار بالا مشاهده میشود، رنگ سبز در اشعار رودکی کمترین حضور را دارد در حالیکه در اشعار خیام در جایگاه دوم است. هرچندکه نسبت به رنگ سرخ

از بسامد بسیار کمتری برخوردار است. از دیدگاه روانشناسی رنگ، رنگ سبز نشانگر وجود شرایط روحی ((اضطراب و انعطاف پذیری)) است. انتخاب کننده این رنگ دارای صفات روحی اراده قوی در انجام کار، دارای پشتکار و استقامت است. این رنگ از ثبات عقیده و خود آگاهی نیز حکایت کرده و ارزش زیادی را برای خود شخص در تمام شکل‌های تعلق و اظهار وجود قایل می‌شود، زیرا تعلق عاملی است که امنیت و احترام به خود را بیشتر میکند. ادراک حسی رنگ سبز طعم گس دارد و محتوای آن غرور است. رنگ سبز بعنوان یک عامل موجب اضطراب، همچون سدی عمل میکند که در پشت آن هیجان ناشی از وجود محرک‌های سرکوفته قرار دارند و موجب افزایش حس غرور و برتری ماهر شده شخص بر دیگران می‌گردند. این رفتار رنگ سبز میتواند در قالب تلاشی برای ایجاد شرایط بهتر نظیر زندگی طولانیتر یا سودمندتر برای خود تجلی نماید. (لوشر ۱۳۷۳: ۸۴-۸۳)

رنگ واژه سبز در اشعار رودکی با آنکه در جایگاه آخرین است اما به جز در یک مورد با سایر خصوصیات خیام که انتخاب کننده رنگ سبز در جایگاه غیر پایانی است برابر است، و آن خصوصیت اضطراب است که در اشعار خیام مشهود است:

- افسوس! که سرمایه زکف بیرون شد
وز دست اجل بسی جگرها خون شد
کس نامد از آن جهان که آرد خبری
کاحوال مسافران بگوید چون شد
- افسوس که بیفایده فرسوده شدیم
در تاس سپهر باژگون سوده شدیم
دردا و ندامتا که تا چشم زدیم
نابوده به کام خویش نابوده شدیم
و یا ترس و تشویش حاکم بر وجود او از بی وفایی و خیانت دوستان میتواند باشد که آنرا در رباعی زیر بخوبی بیان میدارد:

آن به که درین زمانه کم گیری دوست
با اهل زمانه صحبت از دور نکوست
آن کس که به زندگی ترا تکیه بر اوست
چون چشم خرد باز کنی، دشمنت اوست

نشان ترس و اضطراب از مرگ و پایان هستی در وجود و اندیشه‌های خیام بسیار مشهود است. در حالیکه رودکی مرگ را بعنوان حقیقت انکار ناپذیر نظام هستی میدانند و بیان میدارد که همه اندوخته‌های مادی و دنیوی فناپذیر است:

مہتران جهان همه مردند
مرگ را همه سر فرو کردند
زیر خاک اندرون شدند آنان
که همه کوشک‌ها بر آوردند
از هزاران هزار نعمت و ناز
نه به آخر بجز کفن بردند؟!

سبز در جایگاه غیر نخست نشانگر انعطاف ناپذیری اراده، غرور و بلندپروازی است. شخص برای خود مقام بلندی را قایل است و میخواهد که به دیگران پند و اندرزهای اخلاقی دهد و آنها را موعظه نماید. (لوشر، ۱۳۸۰: ۸۵) به سخن دیگر چنین شخصیتی خود را در جایگاه قدرت و فرادست میبیند و دیگران را در موقعیت فرودست، و چنین شخصیتی خود را صاحب تجربه و دانش کافی میپندارد نگاه اینچنینی به قدرت به مثابه چیزی است که تنها در دست بعضیهاست و دیگران فاقد آن هستند. (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۷)

این ویژگی اخلاقی رودکی را در ابیاتی نظیر آنچه وی در پایان عمر خود که دچار محنت و تلخی روزگار شده است و سخن از دوران مکنت و سروری خود میگوید میتوان دید:

تو رودکی راهی ماهرو، کنون بینی	بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود
بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی	سرودگویان، گویی که هزار دستان بود
کجا به گیتی بودست، نامور دهقان	مرا به خانه او سیم بود و، حملان بود
که را بزرگی و نعمت ز این و آن بودی	مرا بزرگی و نعمت ز آل سامان بود

و در ابیات خیام نیز این غرور و سرمستی را میتوان بخوبی مشاهده کرد:

هرچند که روی و موی زیباست مرا	چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا
معلوم نشد که اندرین گلشن دهد	نقاش ازل بهر چه آراست مرا

لوشر در کتاب روانشناسی رنگها برون محوری (یا برونگرایی) را چنین تعریف میکند:

فرد برون محور علاقمند به محیط پیرامون خود، اشیا و مردم است، خواه از نقطه نظر تاثیر گذاردن در محیط بیرونی و خواه گرفتن محرک و انگیزه از آن. (لوشر، ۱۳۷۳: ۴۱-۴۰) در اینجا و بر پایه این آزمون شاهد آنیم که خیام علیرغم آنکه بعنوان فردی درونگرا معرفی شده است دارای خصوصیت برونگرایی است. اینگونه افراد دارای دو شخصیت مجزا هستند از سویی طبق تعریف لوشر از برونگرایی، فرد خواه بر محیط پیرامون خود تاثیر بگذارد و خواه از آن انگیزه بگیرد برونگرا محسوب میشود پس میتوان گفت که وی متأثر از محیط پیرامون خود بوده است. از سوی دیگر خیام با اشعار خود - حتی تا اکنون نیز - توانسته تا بر محیط اطراف خود تاثیر بگذارد، و از همین روست که اشعار او مخاطبان بسیاری بویژه در کشورهای اروپایی دارد.

در این خصوص ابیاتی را در اشعار رودکی و خیام می یابیم که نشان از موعظه و تلاش آنها برای تاثیر گذاردن بر مخاطب خود را دارد:

نکو گفت مزدور با آن خدیش مکن بد به کس گر نخواهی به خویش
(رودکی)

ننگی است به نام نیک مشهور شدن عارست ز جور چرخ رنجور شدن
خمار به بوی باده انگور شدن به زان که به زهد خویش مشهور شدن
(خیام)

۲-۳) رنگ واژه زرد

رودکی این رنگ را در جایگاه دوم انتخاب کرده است و خیام در جایگاه سوم. از ویژگیهای رنگ زرد در روانشناسی رنگ، آسان انگاشتن سختیها و ناملایمات و تسلیم شدن در مقابل سرنوشت است. به قولی میتوان گفت که رودکی و خیام نیز گویا به این قایل هستند که ((سخت میگیرد جهان بر مردمان سختکوش))

شو تا قیامت زاری کن کی رفتی را به زاری باز آری؟
آزار بیش بینی زین گردون گر تو به هر بهانه بیازاری
(رودکی)

- گر گل نبود نصیب ما خار بس است و نور به ما نمیرسد، نار بس است
- بر خود ستم و رنج نهادن بیجاست از سهمی خود فزون نمی باید خواست
(خیام)

لوشر (۱۳۷۳) زرد را نمایانگر شادمانی زودگذر، توسعه طلبی، سهل گرفتن و یا تسکین خاطرست که آن را میتوان در این ابیات بخوبی مشاهده کرد:

- هر آنکه که خوری می، خوش آنکه است خاصه چو گل و یاسمین دمید
- ازو بی اندهی بگزین و، شادی باتن آسایی به تیمار جهان دل را چرا باید که بخشانی
- باد و ابر است این جهان فسوس باده پیش آر، هرچه بادا باد
(رودکی)

- تا بتوانی تو یک نفس خود را باش فردا منگر، دی منگر، اکنون بین
- از آمدن بهار و از رفتن دی اوراق کتاب ما همی گردد طی
می خور، مخور اندوه، که فرموده حکیم غمهای جهان چو زهر و تریاکش می
(خیام)

داشتن روحیه آرزومندی و هیجان پذیری از یک دیدگاه فلسفی مبنی بر بی اعتباری جهان و نسبی بودن هر آنچه که در این جهان است حکایت دارد، چونان که در ابیات زیر چنین میگویند:

- این جهان پاک، خواب کردار است
 نیکی او به جایگاه بد است
 چه نشینی بدین جهان هموار

آن شناسد که دلش بیدار است
 شادی او به جای تیمار است
 که همه کار او نه هموار است
 (رودکی)

- چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
 آن به ننهیم جام می را از دست

نتوان به گمان تمامی عمر نشست
 نوشیم و شویم خوش، نه هشیار و نه مست
 (خیام)

۲-۴) رنگ واژه سیاه (مشکین)

ذکر این نکته شایان توجه است که تحلیلهای روانشناسی رنگ مبحثی مطلق و ثابت نیست بلکه میتواند متأثر از شرایط و پیش زمینه‌های فرهنگی و اسطوره‌ای ملل باشد. در نتیجه در این مجال که فرصتی برای ورود مبحث روانشناسی رنگ در قلمرو ادبیات را یافتیم میبایست همه این شرایط و زمینه‌ها را لحاظ کنیم. از آنجمله رنگ سیاه است. رنگ سیاه در ابیات رودکی در حقیقت جایگاه سوم را داراست. اما برغم تحلیل لوشر از منتخب رنگ سیاه این رنگ در فرهنگ ایرانی و ادبیات ما گاهی یادآور چشمان سیاه و گیسوان سیاه یار است و دارای معنایی مثبت و بیانگر حس زیباشناسی عشق و شور و شوق به زیبایی معشوق است. مانند:

شاد زی با سیاه چشمان شاد
 همی دانی ای ماهروی مشکین موی
 از کف ترکی سیاه چشم پری روی
 جعدی سیاه دارد، کز کشی

که جهان نیست جز فسانه و باد
 که حال بنده ازین پیش بر چه سامان بود؟!
 قامت چو سرو و زلفکانش چو گان
 پنهان شود بدو در سرخاره

در مواردی دیگر این رنگ نشانه ظلمت و تنهایی و رنج است. اگر معنای دوم را برای رنگ سیاه در نظر آوریم می بینیم که در این صورت رنگ سیاه در شعر رودکی بسیار کمتر حضور دارد.

اگر بخواهیم شواهدی را از ابیات رودکی در تایید ویژگیهای فردی در گزینش رنگ سیاه بیاوریم اندک ابیاتی است که شاید در پایان عمر سخت و تلخ خود، سروده است که بیانگر نابودی، ناامیدی و توقف زندگی، اتمام حیات دنیوی، تسلیم و مرز این دنیا به جهان دیگر است. یعنی مرز مطلق که در پایان این زندگی دنیوی کشیده میشود. در این مجال به چند نمونه آن اشاره میکنیم:

- شد آن زمانه که رویش بسان دیبا بود
 شد آن زمانه که مویش بسان قطران بود

شد آن زمانه که او شاد بود و خرم بود
- من نه آنم که پیش از این بودم
نشاط او به فزون بود و غم به نقصان بود
- دلم از هر سخن بیازارد
تسازگی داشتم بیژم مردم
چون رنگ لاله بوده ام و، اکنون
راست گویی که کودکی خردم
چون سیب پژمریده بر آونگم

(۳) نتیجه :

همانگونه که مشاهده کردیم رودکی و خیام آنچنان دقت، نظم و هماهنگی را در ابیات خود در گزینش رنگ واژگان و گل واژگان و سایر واژگان تداعی کننده رنگها بکار برده‌اند که ما را بر آن داشت تا شخصیت این دو شاعر تاثیر گذار سده چهارم و ششم هجری را از دیدگاهی نوین و دانشی امروزی بررسی و بازشناسی نماییم. در اشعار رودکی شاهد آنیم که او نه تنها با گزینش رنگ واژگان بلکه با انتخاب گل واژگانی که از نظر رنگ در جهان بیرونی هماهنگ با رنگ واژگان شعری اویند برای بیان احساسات، عواطف و اندیشه هایش بهره میگیرد. و خیام نیز از واژگانی که تداعی کننده رنگهاست و گاه از رنگ واژگان بهره میگیرد و شاهد آنیم که انتخاب رنگ سرخ در جایگاه پربسامدترین واژه و یا به عبارت دیگر انتخاب رنگ سرخ در جایگاه نخستین از دیدگاه روانشناسی رنگ از سوی هر دو آنها معرف « شخصیتی است که تمایل به زندگی پر جنب و جوش و کاملی دارد، با روحیه ای متهور، رهبری، تلاش خلاق، رشد و بالندگی، میل جنسی بالا و یا فعالیتهای خیالبافانه و مبالغه شده» سرخ یعنی تاثیر اراده و یا قدرت اراده در حالیکه رنگ سبز مظهر انعطاف پذیری اراده میباشد. چنانچه که دیدیم رنگ سبز از بسامد کمتری بر خوردار بوده اگر چه رنگ سبز اگر از بالاترین بسامد برخوردار بود یعنی در جایگاه نخست انتخاب می بود طبق نظر لوشر نمایانگر انعطاف پذیری اراده می بود اما از آنجاییکه در اشعار رودکی آخرین انتخاب یعنی پایین ترین بسامد برخوردار است در این جا میتواند نشانگر انعطاف ناپذیری (حداقل انعطاف پذیری کمتر) اراده و غرور و بلند پروازی او باشد.

از میان تمامی ویژگیهایی که در روانشناسی رنگ برای منتخب رنگ سرخ معرفی شده است میتوان روحیه برون محوری (برون گرا)، آرزومندی، هیجان پذیری، سلطه طلبی و تمایلات قوی شهوانی و علاقمندی به جهان خارج و دلبستگی به اشیا و مردم را در اشعار رودکی و خیام یافت و به این نتیجه رسید که آنها دارای چنین ویژگیها و خصیصه‌های اخلاقی بوده اند. این در حالیست که خیام از دید بسیاری از محققان فردی درونگرا معرفی شده است.

در نگاه فلسفی آن دو، جهان زودگذر و خوشی و ناخوشی آن نسبی و ناپایدار است.

فهرست منابع :

- (۱) آقا گل زاده، فردوس، "کاربرد آموزه های زبان‌شناسی نقش گرا در تجزیه تحلیل متون ادبی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره دوم، سال ۳۸، شماره بی در بی ۱۴۹.
- (۲) راسل، برتراند، ۱۳۷۸، "تاریخ فلسفه غرب"، {ویرایش دوم}، کتاب پرواز، تهران.
- (۳) زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۴۳، "با کاروان حله"، تهران.
- (۴) سان، هوارد، دوروتی، ۱۳۷۸، "زندگی با رنگ"، ترجمه نغمه صفاریان، حکایت، تهران.
- (۵) شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۴۹، "صور خیال در شعر فارسی"، تهران.
- (۶) شعار، جعفر، ۱۳۸۰، "دیوان شعر رودکی"، قطره، تهران.
- (۷) شعار، جعفر، انوری، حسن، ۱۳۸۳، "گزیده اشعار رودکی"، امیرکبیر، تهران.
- (۸) صفوی، کوروش، ۱۳۷۳، "از زبان شناسی به ادبیات"، چشمه، تهران.
- (۹) عبادیان، محمود، ۱۳۶۸، "در آمدی بر سبک و سبک شناسی در ادبیات"، جهاد دانشگاهی، تهران.
- (۱۰) علوی، سید کامران، ۱۳۸۵، "تفکر و زبان"، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- (۱۱) کاسب، عزیزالله، ۱۳۶۳، "رباعیات حکیم عمر خیام"، رشیدی، تهران.
- (۱۲) لوشر، ماکس، ۱۳۷۳، "روانشناسی رنگ"، ترجمه ویدا ابی زاده، درس، تهران.
- (۱۳) مهاجر، مهران، نبوی، محمد، ۱۳۷۶، "به سوی زبان‌شناسی شعر ره یافتی نقش گرا"، مرکز، تهران.
- 14) Crystal, David, 2003, A Dictionary of Linguistics and Phonetics, BlackWell, UK
- 15) Hasan, Ruqaiyah, 1989, Linguistics and language and verbal Art, Oxford University press, UK.
- 16) Johnson, David, Color psychology, <http://www.infoplease.com/spot/colors1.html>
- 17) Roelofs, Ardi, 2004, Seriality of phonological encoding in naming objects and reading their names, <http://www.mpi.nl/research/groups/LanguageProductionPeHa/LanguageProduction/publications-production/RoelofsSeriality2004.pdf>
- 19) Van de weijer, joost. Schmid, Cordelia. Verbeek, Jakob, 2007, Learning Color Names from Real-World Images, <http://class.inrialpes.fr/pub/12-van-de-weijer-cvpr07.pdf>